

## پیک وحشت برای حمل غذا

امروز هر چیزی را می شود با کمک این موتوری ها دریافت کرد؛ از غذا و نوشیدنی گرفته تا خرید بقالی، داروخانه و حتی چای، قهوه و قلیان!

رضا صادقی

گاهی چند موضوع مختلف دست به دست هم می دهند که یک بلا را به جان مردم بیندازند و تازه یک عده ای هم به خاطر بهرمندی از آن مصیبت خوشحال باشند. نخست اینکه انسان همیشه عجله دارد، تنبل و راحت طلب است و انگار شهوت او برای به دست آوردن همه چیز با سرعت بیشتر، تمامی ندارد. موضوع دوم اختراع چیزی به نام ظرف یکبارمصرف است. وقتی کوچک بودم گاهی ما را می فرستادند تا از یک کبابی، رستوران یا جایی مثل آنها غذا بگیریم تا دور هم و در کنار اعضای خانواده بخوریم. یادم هست بسته به خوراک مورد نظر، یکی دو تا قابلمه با خودمان به رستوران می بردم تا غذا را در آنها برلمان پر کنند. بعدها ظرف یکبارمصرف تولید و به فراوانی و ارزانی در دسترس قرار گرفت که از غذا تا چای و قهوه و بستنی و کله پاچه را می شود در آن ریخت تا خدای نکرده کسی آن یک قابلمه را هم نشوید. «گور پدر طبیعت، من راحت باشم به کسی چه؟»

بلای سوم این است: نمایشی که برای تماشا کردنش باید به سیرک می رفتید بجایی در خیابانها برقرار شده است. یعنی یک بازیگر سوار بر موتور یک نفر دیگر را پشت و رو ترک خودش سوار کند، در حالی که نفر پشتی یک تلویزیون ۶۵ اینچی را روی سرش گذاشته، در یک دستش یک کارتن میوه و در دست دیگرش یک بسته پوشک بچه نگه داشته، به زحمت تعادل خود را روی موتور حفظ می کند، راننده همانطور که با موبایلش حرف می زند، فرمان موتور را با یک دستش گرفته، به چهار نفر توی مسیر بدویزه می گوید، لابه لای مردم تک چرخ می زند، با موتور از روی جوی آب می پرد و از خودش صدای اردک در می آورد. مردم توی سیرک برای همچین نمایشی کف می زنند ولی در خیابانها باید با ترس و وحشت از مقابل این هنرمندان ناشی کنار بروند تا مبادا کشته شوند.

همه این سه دست به دست هم داده اند و چیزی به وجود آورده اند به نام پیک موتوری حمل غذا. من جاهای دیگر دنیا را نمی دادم ولی در دویی تعداد آنها غیر قابل باور است. رفتار آنها در رانندگی، ویراژ دادن، چسباندن از پشت به خودروی درحال حرکت، سبقت از هر کجا و هر طرف، آنها را تبدیل به پیک وحشت کرده است. کمتر تصادفی را می توان دید که یکی دو تا از آنها در میان صحنه نقش زمین نشده باشند. همه اینها برای این است که باید هرچه زودتر به مقصد برسند تا به هدفی که از سوی کارفرما و مشتری برایشان معین شده، دست بیابند. این ماجرا از زمانی که آن ویروس لعنتی در دنیا پخش شد و مردم برای مدتی خانه نشین شدند بدتر شد. امروز هر چیزی را می شود با کمک این موتوری ها دریافت کرد؛ از غذا و نوشیدنی گرفته تا خرید بقالی، داروخانه و حتی چای، قهوه و قلیان!

چند روز قبل یک موتوری را در آسانسور ساختمان دیدم که با نیم کیلو پلاستیک و ظرف یکبار مصرف داشت به خانه همسایه می رفت تا دو فنجان کاپوچینو تحویل بدهد. شما فکر کنید برای این دو فنجان قهوه، دو لیوان یکبار مصرف، دو قاشق پلاستیکی که به هیچ دردی نمی خورند، چهار بسته شکر به اضافه مقواهای بسته بندی، رسید و فاکتور پرداخت به در خانه مصرف کننده برده می شود. چقدر سوخت مصرف و چقدر صدای ناهنجار تولید می شود تا دو نفر قهوه بخورند. واقعا راحت طلبی تا کجا؟ یعنی شستن دو تا فنجان و برداشتن یک قاشق شکر از یک ظرف آنقدر سخت است؟ قسمت ترسناک تر ماجرا این است که در حال حاضر برخی بقالی های آنلاین تبلیغ می کنند که اگر سفارش شما در ۳۰ دقیقه به دستتان نرسید غرامت بگیرید! چه کسی باید این خواسته و هدف را به سرانجام برساند؟ یک راننده بدبخت که باید از لابه لای ترافیک مقداری خوراکی را به کسی برساند که نمی تواند برای خرید

درد. از تولید کنندگان ظرف های پلاستیک، سازندگان موتورسیکلت، سازندگان اپلیکیشن های فروش آنلاین و از همه مهمتر تولید کنندگان خوراک که مردم را به سوی مصرف غذاهای بی کیفیت و نامرغوب سوق می دهند. اگر شما هم جزو کسانی هستید که از چنین خدماتی استفاده می کنید پیش از سفارش دادن خوراکی یا هر چیز دیگر، قدری با خودتان فکر کنید که آیا به واقع نمی شود برای تهیه خوراک و غذا به درستی برنامه ریزی کرد؟ چه نیازی به استفاده از این زنجیره مخوف وجود دارد؟ مصرف یک غذای ساده و سالم آنقدر سخت و مشکل است که باید به این چرخه بلا متوسل شد؟ یک موتورسوار می تواند یک دارو را در مدت کوتاهی به دست یک بیمار یا یک مرکز درمانی برساند یا یک قطعه یدکی را در زمان کمی به یک تعمیرکار بدهد که اسباب راحتی و امنیت افراد را فراهم کند. این استفاده نابجا و افراطی جامعه مصرف گرا است که از حد به در شده و یک گروه زحمتکش جامعه را به بلای همان جامعه تبدیل کرده است. رساندن قهوه به دوتا بچه که حاضر نیستند از صندلی ای که به آن چسبیده اند جدا شوند اولویتی برای اجیر کردن موتوری نیست.

